



ان شاء الله رحمتی عنوان کرد: تفاوت اسلام سنت‌گرا و اسلام سنتی/مناسبات سنت گرای و اندیشه معاصر

ان شاء الله رحمتی با تفکیک ۵ اسلام با عناوین اسلام سنتی، اسلام مدرن، اسلام بنیادگرا، اسلام موعودگرا و اسلام سنت‌گرا به تبیین مناسبات سنت گرای و اندیشه معاصر در ایران پرداخت.

ان شاء الله رحمتی با تفکیک ۵ اسلام با عناوین اسلام سنتی، اسلام مدرن، اسلام بنیادگرا، اسلام موعودگرا و اسلام سنت‌گرا به تبیین مناسبات سنت گرای و اندیشه معاصر در ایران پرداخت.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «مناسبات سنت گرای و اندیشه معاصر ایران» شنبه ۲۳ آذرماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

ان شاء الله رحمتی در این نشست گفت: ممکن است لفظ سنت گرای در ابتدا وازدگی ایجاد کند، چون برخی تصور می کنند مشکلات ما به خاطر سنت است. ما ناگزیر یک سنتی داریم و تقدیر ما این است که در این سنت زاده شده ایم و هویت ما را تشکیل می دهد و نمی توانیم از آن فاصله بگیریم. چون بدون آن در جهان بی هویت خواهیم بود. در رشته های علوم انسانی دغدغه هویتی داریم که این هویت در سنت ما شکل گرفته است، پس باید نظریه ای برای سنت مان داشته باشیم که کارآمد باشد و ما را به زندگی و حیات معاصرمان متصل کند و زندگی معاصرمان را بر اساس آن بفهمیم.

وی در ادامه با بیان اینکه دو روایت از سنت گرای را عرض خواهم کرد، گفت: به عنوان مسلمانانی که در ایران زندگی می کنیم در یک بحث استقرایی می توان گفت ۵ گروه هستیم: اسلام سنتی، اسلام مدرن، اسلام بنیادگرا، اسلام موعودگرا و اسلام سنت گرا. یکی از سوء فهم های ما این است که غالباً اسلام سنتی را با اسلام سنت گرا با هم یکی می گیریم در صورتی که متفاوت اند. پیروان اسلام سنتی کسانی هستند که مطابق سنت اسلام زندگی می کنند، اما توجه بنیادی و فلسفی به دنیای امروز ندارند. این اسلام در نوع خود اصیل است و به سنت و اصالت اسلام پایبند است، اما برای دنیای امروز ما نظریه ای ندارد و نقدی نسبت به دنیای جدید در این نگاه نمی بینید الا نقدهای کلیشه ای و نه فلسفی.

ان شاء الله رحمتی سپس عنوان کرد: اسلام مدرن به یک معنا در مقابل اسلام سنتی است. در واقع روشنفکری دینی که ما از آن سخن می گوئیم می خواهد متناسب با سنت زندگی کند، اما سنت را در متن دنیای مدرن می آورد. دنیای مدرن و عقلانیت مدرن را اصل و مبنا قرار می دهد و بر اساس آن سنت را بازخوانی می کند. حتی ممکن است کلیت سنت هم برای او پذیرفتنی نباشد. مثلاً وقتی به قرآن رجوع می کند آن بخشی که با عقلانیت مدرن قابل فهم است را می پذیرد. اسلام مدرن اندیشمندانه است، اگرچه ممکن است به آن نقد داشته باشیم. در اسلام سنت گرا آگاهی به دنیای مدرن وجود دارد، اما سنت اصل است و نه مدرنیسم. آنجایی که سنت با مدرنیسم ناسازگار می شود، اشکال را در مدرنیسم می بیند. منتقد کلیت مدرنیسم است و نه اجزای آن و به محدودیت هایی از مدرنیسم اشاره می کند که این محدودیت ها اجازه فهم سنت را نمی دهد.

وی همچنین اظهار داشت: اسلام بنیادگرا نسبت به دنیای مدرن واکنش نشان می دهد و مقابله می کند، اما نه واکنش نظری و فکری بلکه عملی و فیزیکی. یعنی به مقابله با دنیای مدرن برمی خیزد و حتی ممکن است از ابزارهای دنیای مدرن برای این مواجهه کمک بگیرد. اسلام بنیادگرا برخلاف ادعایی که می کند به سنت پای بند نیست. چون وقتی صحبت از سنت می کند منظورش فقط ظاهر سنت است و آن را به قرآن و احادیث پیامبر محدود می کند. در بازگشت به بنیاد اصلی، کل سنت فکری و فلسفی که ما در طول ۱۴۰۰ سال داشته ایم را نادیده می گیرد. فکر می کند نیازی به این سنت ندارد و همان معنایی که از قرآن می فهمد را عمل می کند. در نتیجه این برداشت ظاهری از قرآن با دنیا تعارض پیدا می کند و هیچ راهی جر مقابله فیزیکی نمی یابد.

ان شاء الله رحمتی در ادامه گفت: اسلام موعودگرا هم ممکن است وارد فعالیت فیزیکی بشود و فعالیت فکری نکند، اما در پرتو یک انتظار اخروی این کار را می کند. فعالیت انقلابی در دنیای مدرن را به نفع خود مصادره می کند و تبدیل به یک انقلاب دینی و معنوی می کند، اما این انقلاب ظاهری و بیرونی است و نه درونی. از مصادیق این اسلام، بابی گری و بهایی گری است.

وی اضافه کرد: یک تصویری که از اسلام سنت گرا در نزد سنت گرایان مثل شوآن، گنون، حسین نصر و ... وجود دارد، این است که بر واژه Tradition تأکید می کنند. ما این واژه را به سنت ترجمه کرده ایم. حرف ابتدای آن را بزرگ می نویسند تا بر تفاوت آن با tradition تأکید کنند. البته ممکن است ترجمه سنت برای آن مناسب نباشد، چون ما در فارسی نمی توانیم حرف اول را بزرگ بنویسیم. منظورشان از Tradition عرف و آداب و رسوم نیست، بلکه دقیقاً در مقابل آن است؛ یعنی می خواهد این آداب و رسوم را به هم بزند. همان طور که وقتی پیامبران سنتی را می آوردند به دلیل تفاوت با سنت اجدادی مردم با آن مخالفت می شد. این سنت به مقابله با سنت های خطای پذیرفته شده بر می خواست.

ان شاءالله رحمتی همچنین گفت: سنت گرایان، سنت به معنای منفی را همان دنیای مدرن می دانند؛ یعنی دنیای مدرن کلیشه ها و عرف هایی دارد و درست است که بر دیگران نقد می کند اما خودش را نقد نمی کند. سنت گرایان دولت مدرن را دولتی مستعجل می دانند. تعریف شوآن از سنت این است که سنت یک اسطوره پردازی منسوخ و کودکانه نیست، بلکه علمی بی نهایت واقعی است. فارق سنت با سنت به معنای منفی آن را حقیقت می داند. تعریف دیگر این است که سنت مجموعه ای از اصول ثابت است که مبدأ آسمانی دارند و همچنان سرشت قدسی خود را حفظ کرده اند و در عین ثابت بودن، سیال هم هستند. یعنی می توانند خودشان را با شرایط هم تطبیق دهند.

وی عنوان کرد: قرآن می فرماید: «لا تجد لسنه الله تبديلاً». در سنت خداوند هیچ تبدیلی نمی توان یافت. سنت را بستری می دانند که اموری مانند حکمت خالده، راست اندیشی، طریقت باطنی، دین و ... در این بستر شکل می گیرد. بحث باطنی گرایی در دنیای ما بی معنا شده است. مهدی حائری، هانری کربن را نقد می کرد و عمده نقد او هم این بود که وقتی کربن می آید فلسفه و عرفان اسلامی را معرفی می کند و آن را در قالب باطنی گری می برد، دنیای امروز باطنی گری را امر دروغ و کلاه برداری می داند و با این کار کربن فلسفه اسلامی را بدنام می کند. البته کربن منظور خود را از سنت توضیح می دهد و آن را با باطنی گری متمایز می داند.

ان شاءالله رحمتی تأکید کرد: یکی از مؤلفه های اساسی جهان سنت گرایان این است که جهان شان ذومراتب است. به لحاظ دینی ما به زندگی دنیوی برزخی و قیامتی باور داریم، اما دنیای امروز جهان را تک ساحتی و صرفاً دنیوی می بیند. نکته دیگر این است که بدون سنت، متافیزیک به معنای دقیق کلمه نخواهیم داشت. وقتی از پایان فلسفه و پایان متافیزیک در غرب صحبت می شود به این معناست که سنت بی معنا شده است. سنت گرایان بین مدرن بودن و معاصر بودن فرق می گذارند. با مدرنیسم مخالف اند، اما در عین حال بر معاصر بودن تأکید می کنند. معاصر بودن یعنی دغدغه های انسان امروز و بهترین پاسخ هایی که می توان به انسان امروز داد.

وی یادآور شد: وقتی می خواهیم با نگاه سنتی زندگی کنیم این بحث پیش می آید که آیا می خواهید این همه پیشرفت های بشر را کنار بگذارید. نکته اینجاست که سنت گرایان بین «ساینس» و «ساینتیسم» فرق می گذارند. علم چیزی نیست که در دنیای مدرن ایجاد شده باشد. از آنجایی که علم امروز ویرانی به بار می آورد به عنوان مثال در محیط زیست و ... اما علم در گذشته باینکه دستاوردهای زیادی داشته است، اما مثل امروز مشکلات عدیده ایجاد نکرده، در نتیجه نقد سنت گرایان متوجه علم و تکنولوژی نیست، بلکه متوجه علم پرستی و علم گرایی است. در جهان مدرن علم عرصه را بر اندیشه های دیگر تنگ کرده و فلسفه های امروز ما نیز به یک معنا فلسفه های علم گرایانه است.

ان شاءالله رحمتی افزود: روایت دوم از سنت گرایی که بیشتر علاقه مند بودم این نگاه را توضیح دهم این است که کربن را سنت گرا می دانند، اما او به این معنا سنت گرا نیست. برخلاف سنت گرایان که نسبت به دوران مدرن نگاه همه یا هیچ دارند، کربن با دنیای مدرن اصلاً چنین مواجهه ای ندارد، اما در عین حال دل در گروی سنت دارد. کربن می گوید این که همواره طالب تازه و تازگی باشیم خود از عوامل نسیانی است که چشم ما را از درک امروزین بودن گذشته خویش نابینا می سازد. تعبیر دیگر او از سنت این است که سنت چیزی مغایر با تشیع جنازه است. سنت مستدعی نوسازی دائم است و این همان گنوس است. تشیع جنازه یعنی کسی تمام شده و بازگشت پذیر نیست، اما در عین حال او را گرامی می داریم.

وی در پایان گفت: تفاوت کربن با سنت گرایان این است که کربن برای وجه درونی و باطنی سنت اهمیت بیشتری قائل است، چون سنت را امری درونی می داند به این اعتبار در متن مدرنیسم هم می شود با سنت زندگی کرد. اگر بخواهیم به حقیقت و انسانیت خودمان وفادار باشیم این وفاداری در پرتو سنت حاصل می شود.